

یادداشت

«فرهختگان» مهم‌ترین نکات بورس در هفته گذشته را بررسی کرد از قدرت‌نمایی بزرگان تا حرف‌وحديث‌های سهام دولتی - ملتی



حسین جعفری

پژوهشگر بازار سرمایه

بازار سرمایه در حالی هفته چهارم تیر ماه را همانند هفته‌های گذشته با بازدهی مثبت به پایان رساند که طی پنج روز معاملاتی آن بازار به دو دسته سهام‌های دولتی که با رشد قیمتی همراه بوده و دیگر سهام‌ها با عنوان مردمی که در کف روزانه قیمت، صف فروش را تشکیل داده بودند، مواجه بود. طی هفته گذشته شاخص کل بورس درحالی مقاومت یک میلیون و ۸۰۰ هزار واحدی را پشت سر گذاشت که اختلاف معناداری بین شاخص کل و شاخص هم وزن پدیدار گشت و انتظار می‌رسد این هفته شاهد اصلاح سهام‌های به اصطلاح شاخص‌ساز باشیم. شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران از پایان معاملات روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه جاری به عدد ۱۸۴۱۶۹۶ واحد رسید که در مقایسه با پایان سال قبل از خود، ۸۸۰۰۹ واحد، معادل ۵درصد رشد را تجربه کرده است. شایان ذکر است که میانگین رشد روزانه شاخص کل نیز، ۱۰۱/۷۶ واحد است. طی هفته گذشته، روزانه به‌طور میانگین پنج میلیون برگه سهم به ارزش ۲۸۰ هزار میلیارد ریال در بیش از یک‌میلیون تعداد مبادلات، مورد مبادله قرار گرفت. ارزش معاملات بلوکی و اوراق ۲۷ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به هفته پیش، تغییر خاصی را نشان نمی‌دهد و حاکی از هفته کم‌فعالیتی برای شرکت‌های حقوقی است. شاخص هم‌وزن نیز هم با ۲۵۱۲ واحد رشد، معادل کمتر از یک‌درصد رشد نسبت به پایان هفته نسوم تیرماه، در ارتفاع ۴۸۱۱۹۸ واحد قرار گرفت.

هفته‌های خوب فرآورده‌های نفتی

طی معاملات هفته گذشته بیشترین بازدهی مربوط به گروه، فنی و مهندسی با ۲۰ درصد، گروه فرآورده‌های نفتی با ۲۰ درصد و گروه خرده‌فروشی با ۱۵ درصد رشد و کمترین بازدهی نیز مربوط به گروه محصولات کاغذی با ۷/۹۴ درصد، گروه محصولات کامپیوتری با ۳/۳۳ درصد و گروه استخرهای سایر معادن با ۱ درصد کاهش است. میانگین بازدهی صنایع در پنج جلسه معاملاتی این هفته به‌نحوی بود که به جز دو گروه ذکر شده، همه گروه‌های بازار ۸ درصد بازدهی داشته‌اند. همچنین بیشترین تاثیر بر رشد شاخص کل مربوط به سهام فولاد مبارک اصفهان (فولاد) با ۱۶۰۶۳ واحد، ملی صنایع مس ایران (فملی) با ۸۱۹۱ واحد و صنایع پتروشیمی خلیج فارس (فارس) با ۲۶۷۲ واحد رشد و بیشترین تاثیر بر افت شاخص کل نیز مربوط به سهام گروه مینا(مینا) با ۴۴۰ واحد، معدنی و صنعتی چادرملو(کچاد) با ۳۰۵۸ واحد و گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید(واامید) با ۱۸۳۰ واحد افت است. بررسی بازدهی نمادهای بازار طی هفته گذشته نشان می‌دهد بیشترین بازدهی مربوط به سهام سیمان فارس (سفارس) با ۳۱/۳۳ درصد، گسترش نفت و گاز پارسیان(پارسان) با ۲۷/۷۵ درصد و پالایش نفت تهران (شتتران) با ۲۷/۵ درصد رشد قیمتی و کمترین بازدهی نیز مربوط به سهام، صندوق واسطه‌گری مالی یکم(دارا یکم) با ۲۰/۸۹ درصد، سیمان ارومیة(ساروم) با ۱۸/۵۲ درصد و سیمان داراب(ساراب) با ۱۸/۲ درصد افت قیمتی بوده است.

بازگشت ورود پول به مدار مثبت

طی هفته گذشته، میانگین روزانه ارزش معاملات خرد در حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان و میانگین روزانه خالص پول حقیقی واردشده مبلغ ۲۲۵۲ میلیارد تومان است که نسبت به میانگین روزانه هفته نسوم تیرماه به ترتیب ۴ و ۳۶درصد رشد را نشان می‌دهد. بیشترین ورود نقدینگی در سهام، فولاد مبارک اصفهان (فولاد) و ملی صنایع مس ایران(فملی) با ۱۱۵۰۰ میلیارد تومان و پالایش نفت بندرعباس (سندیر) همراه با گسترش نفت و گاز پارسیان(پارسان) با ۴۰۰۰ میلیارد تومان بوده است. همچنین بیشترین خروج نقدینگی نیز در سهام گروه مینا(مینا) با ۲۷۰۰ میلیارد تومان، سرمایه‌گذاری خورزم(خورزم) با ۱۱۰۰ میلیارد تومان و مهندسی و گروه صنعتی سدید(وسدید) با ۶۰۰ میلیارد تومان اتفاق افتاده است. بنابراین طی هفته گذشته بیشترین ورود نقدینگی، در گروه‌های فلزات اساسی و محصولات پتروشیمی و خروج نقدینگی، در گروه‌های بانک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مالی صورت گرفته است.

لغو دوباره عرضه اولیه غزر

مهم‌ترین اخبار بازار سرمایه در هفته گذشته را با عرضه اولیه شرکت رایان هم‌افزار با نماد معاملاتی رافزا آغاز می‌کنیم. در روز سه‌شنبه ۲۳ تیرماه، ۱۵ درصد از سهام شرکت رایان هم‌افزا(سهامی عام) به‌عنوان ششمین عرضه اولیه سازمان فرابورس در بازار دوم در سال جاری در بخش رایانه و فعالیت‌های وابسته به آن و با موضوع فعالیت طراحی، تولید و مشاوره در زمینه نرم‌افزار، عرضه شد. در پایان عرضه اولیه رافزا به هر کد بورسی ۶ سهم در سقف قیمتی ۲۵۰۰ تومانی تخصیص داده شد که معادل ۱۵ هزار تومان بود. در این عرضه اولیه بیش از چهار میلیون و ۴۵۴ هزار نفر مشارکت کردند و نتوانست رکورد شرکت در عرضه اولیه را بشکنند. این بار نیز برای جلوگیری از فشار مضاعف بر هسته معاملات در روز عرضه، تصمیم به عرضه در ساعات خارج از بازار در روز سه‌شنبه گرفته شد که این تصمیم در جایگاه خود جالب به نظر می‌رسید. همچنین روز چهارشنبه نیز قرار به عرضه ۱۲ درصد از سهام صنعتی زر ماکارون بود که این عرضه به دلایل نامشخصی در روز مذکور لغو و به زمان دیگری موکول شد. این درحالی است که در حدود یک ماه پیش نیز قرار به عرضه «غزر» بود که به دلیل اعتراضات زیاد فعالان بازار درخصوص قیمت بالای آن و نحوه ارزش‌گذاری این عرضه لغو شد تا سهم غزر با دو بار انتشار آگهی عرض اولیه و لغو هر دو بار آن در این زمینه رکورددار باشد.

اقتصاد

ترکش‌های حاصل از رشد بدقواره بورس چگونه زندگی ایرانیان را هدف می‌گیرد؟

استتار تورم با شاخص بورس



عرضه‌های اولیه از ترس اصلاح‌بازار صرفاباعث تاخیر در هزینه‌های وضعیت فعلی بورس و بزرگ‌تر شدن ابعاد بحران خواهد بود. همچنین درصد شناوری بر اساس قوانین موجود می‌تواند به‌سرعت افزایش پیدا کند و در گام بعد با اصلاح قوانین سهامداران عمده موظف شوند هرچه سریع‌تر درصد شناوری سهام مربوطه را افزایش دهند.

۳-توقف هر نوع پیام‌دهی سیاستگذاری در معنای بیمه‌گری کلان بورس؛ اشاره شد که‌شکل‌گیری یک‌تصور جمع‌ی از عدم امکان سقوط وریش بورس باحمایت‌دولت‌تاچه‌حدمی‌تواند خسارت‌بار باشد. هرچه دیرتر این شیوه اطلاع‌رسانی اصلاح شود، هزینه‌های تداوم روند فعلی بورس بزرگ‌تر خواهد بود.

چگونگی تاثیر بورس بر گرانی در بازارها

مصاحبه با میثم رادپور کارشناس بازار های مالی

میثم رادپور، تحلیلگر بازارهای مالی در پاسخ به این سوال که در ابتدا گمان می‌شدبازار سهام بتواند ضربه‌گیری برای افزایش قیمت در دیگر بازارها باشد، اما چرا این چنین نشد، می‌گوید:

«به‌طور کلی توضیح تورم و متر و معیارهای آن بسیار سخت است، اما به‌هرجهت این اعتقاد وجود دارد که تورم، پدیده‌ای پولی وماتر از نوسانی در بخش «پول» است که می‌توان شاهد نوسان قیمت یا تولید در بخش حقیقی بود. از همین رو، توضیح اینکه بازار سهام چگونه و چه مقدار بر تورم تاثیر گذاشته است برای ما بسیارسخت است، چراکه اعتقاد به پولی بودن پدیده تورم این مساله را نشان می‌دهد که یا پول نسبت به کالا و خدمات زیاد شده یا کالا و خدمات نسبت به پول کمتر شده یا اینکه هر دو همزمان اتفاق افتاده است.» این کارشناس بازارهای مالی ادامه می‌دهد در چندماه گذشته‌ما شاهد هر دو اتفاق بودیم، البته‌حجم‌پول‌نه‌به‌شکل‌خیزه‌کننده‌ای، اما با حفظ روند صعودی افزایش پیدا کرد است. از طرفی کاهش عرضه در بخش کالا و خدمات نیز صورت گرفته که در فصل جاری تشدید شده است، به این مسائل می‌توان بحث همه‌گیری کرونا، کاهش درآمد‌های نفتی، کاهش درآمد‌های ارزی و کاهش تولیدرا اضافه کرد که همگی تاثیراتی بر توران بخش‌پول‌وبخش حقیقی داشته‌اند. رادپور در ادامه به‌نمودمرجعی برای ارائه اطلاعات آماری جهت بررسی‌های اقتصادی اشاره وعنوان می‌کند زمانی که مرجعی برای ارائه اطلاعات از بخش‌های گفته‌شده وجود ندارد و نمی‌توانیم از اندازه کمیت‌های پولی وحقیقی در چندماه‌هی اطلاع‌بموقعی داشته‌باشیم، نمی‌توانیم تخمین وپیش‌بینی درستی از تورم‌وتاثیرپذیری از بخش‌های مختلف را نیز توضیح دهیم. وی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که به احتمال زیاد همه اتفاقاتی که در بخش حقیقی (تضعیف‌طرف‌تقاضا)ودر بخش پولی (تحریک‌طرف عرضه) صورت گرفته است، نتواند تمامی تورم به‌وجود آمده در چندماه اخیر را توضیح دهد، به‌همین دلیل می‌توان از احتمال تاثیر بورس سخن به‌میان آورد.

این کارشناس بازارهای مالی درمورد چگونگی تاثیر بورس بر گرانی و افزایش قیمت دیگر بازارها اضافه می‌کند رشد بی سابقه بازار سهام در یک‌سال اخیر علاوه‌بر اینکه شاخصی انتظارسازبرای رشدقیمت‌هادر آینده‌شده، نتوانسته‌است‌حجم معاملات بسیار زیادی را در خود جای دهد که همین عامل هم سبب تاثیرگذاری فزاینده آن بر دیگر بازارها شده است. مثلا زمانی که سوای از معامله سهام شرکت، معامله‌گران با تحلیل دارایی‌های سهام اقدام به خرید آن می‌کنند، نمی‌شود قیمت آن در بازار سهام بالا برود، اما قیمت‌دارایی مدنظر در بخش حقیقی بالاتر نرود. این کارشناس بازارهای مالی در پایان تأیید می‌کند بسیاری از جنس‌هایی که در بورس مورد معامله قرار می‌گیرند در بازارهای دیگر نیز وجود دارد، پس اختلاف قیمت در بین دو بازار معنی ندارد واز همین‌رو اصل آریترائز سعی بر یکسان‌سازی قیمت‌ها در بازارها دارد و از همین رو است که قیمت‌ها باید خود را به قیمت بازار سهام برسانند.

خریدی است که برای فعالان ایجاد می‌کند. بدین معنا که تمامی عایدی‌های به‌دست آمده ناشی از رشد شاخص و رشد قیمت سهام‌ها که به‌صورت درآمد به حساب افراد واریز شده است تبدیل به تقاضا در دیگر بازارهای سفته‌بازی یا کالا و خدمات مصرفی دیگر شده است. بنابراین مشاهده شد که رشد بازار بورس واز همه بدتر انتظار دائمی برای رشد آن می‌تواند با کمی تاخیر دیگر بازارهارا نیز به‌دنبال خودبکشد.

ادامه روند فعلی خطرناک است

بررسی آمارهای بورسی نشان می‌دهد مجموع معاملات صورت گرفته در کل سال ۹۸ برابر ۲۰۰ هزار میلیارد بوده که این مقدار احتمالا برای سال ۹۹ چندین برابر خواهد شد. از طرف دیگر گفته شد که چیزی در حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول جدیدنیز از ابتدای سال ۹۸ تا به‌حال وارد بازار سهام شده است. با همه اینها اما شواهد نشان می‌دهد استفاده بسیار کمی از فرصت فراهم‌شده برای گسترش عمق بازار انرسوی‌دولت‌وهمچنین استفاده‌شده‌برای توسعه‌وتأمین مالی خود از بازار سهام شده است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد هرچند روند عرضه اولیه‌ها وعرضه شرکت‌های دولتی نسبت‌به گذشته بیشتر انجام‌شده، اما سرعت رشد آن باتوجه به پتانسیل موجود در بازار سرمایه بسیار پایین بوده است واز ابتدای سال ۹۸ تا به‌حال تنها ۳۳ شرکت به بازار سهام عرضه‌شده‌اند. مزاد بر اینها همچنین بررسی آمارهای منتشرشده انرسوی شرکت‌های بورسی نشان می‌دهد در سال ۹۸ از محل تأسیس شرکت‌های سهامی عام ۲۰۰ میلیارد تومان، از محل عرضه اولیه‌ها تنها ۵ هزار میلیارد تومان، از محل تجدید ارزیابی چیزی در حدود ۶۷ هزار میلیارد تومان واز محل صرف سهام وسود انباشته در حدود ۴۱ هزار میلیارد تأمین مالی صورت گرفته است که از میان اینها تنها بخشی از عرضه اولیه‌ها (نه همه آنها) وبخشی از افزایش سرمایه‌از محل صرف سهام وسود انباشته رامی‌توان به‌عنوان تأمین مالی وگسترش شرکت و درواقع کمک به تولید دانست، بنابراین زوایای مختلف بازار سهام نشان از رویکرد سفته‌بازانه مردم به این بازار و تعلل دولت وسنگگذاران در استفاده از ظرفیت‌های موجود در این بازار است. درصورت ادامه روند موجود و ورود روزفزون پول جدیدو بالا رفتن سطح نظارت تومی در بازار سهام احتمال ادامه چرخه تومی ایجادشده در اقتصاد کشور بدون ایجاد رونق و گشایشی در بخش حقیقی اقتصاد بالاتر می‌رود.

دولت تهدید بورس را به فرصت تبدیل کند.

متاسفانه روند چند سال اخیر اقتصاد کشور، احاد جامعه را به سمت‌وتوسوی سفته‌بازی کشانده است که درحال حاضر سهل‌ترین ومورد توجه‌ترین آن بازار سهام است. هرچند استفاده از ظرفیت بازار و مدیریت آن کار آسانی نیست، اما با این‌حال ضروری است اقداماتی جهت کنترل وضعیت جاری در بازارهای مالی به‌شکل زیر انجام شود:

۱- عرضه بدون تعلل دارایی‌های بورسی دولت؛ یکی از فوری‌ترین اقدامات ومؤثرترین ابزارهایی که می‌توان با آن وضعیت فعلی را تحت کنترل درآورد، فروش بدون تعلل دارایی‌های دولت در بورس است. هم‌اکنون ارزش سهم مستقیم دولت در شرکت‌های بورسی بالغ بر ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. واگذاری تنها یک‌سوم از این دارایی‌ها (با تأکید بر شرکت‌های همراه با صورت‌های مالی شفاف وحائز شرایط واگذاری) علاوه‌بر اینکه حجم‌دارایی‌های قابل معامله در بورس را افزایش داده و روند هیجانی بازار را کنترل می‌کند، بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از کسری بودجه‌دولت‌را پوشش می‌دهد. در این‌زمینه پیشنهاد می‌شود دستورالعمل مربوطه سریع‌ا بلاغ‌شده ووزارت اقتصاد موظف شود تا زمان مشخصی از سال جاری نسبت‌به فروش این میزان از دارایی تعهد داده‌ومیزان عرضه روزانه بانظر شورای عالی بورس انجام شود.

۲- شتاب‌دهی به عرضه‌های اولیه شرکت‌ها و افزایش درصد شناوری؛ بعد از عرضه سهم‌های دولتی، عرضه اولیه شرکت‌های متقاضی باید تسریع شود. به‌تعمیق انداختن

سوخت نقدینگی نیز نمی‌تواند مفهوم درستی باشد. حجم پول اضافی تولید شده، تنها و تنها در صورتی سوخت خواهد شد که به سازنده‌اش (بانک مرکزی وسیستم بانکی) برگردد.

بازدهی ۹۳۷ درصدی بورس، دیگر بازارها را کارکن کرد؟

بازار سهام که از ابتدای سال ۹۸ تا به حال شاهد ورود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول جدیدبوده‌وطی این مدت بازدهی خود را به ۹۳۷ درصد(رشد شاخص) رسانده که قطعاً سهامداران وفعالان خود را تا به حال بسا درآمدهای زیادی روبرو کرده است، اما نکته مهم آن است که این بازدهی به‌وجود آمده بر خلاف جهت‌بازارهای حقیقی وتولیدی بوده است. این اقبال به‌وجود آمده به‌سوی بازار سهام و همچنین بازدهی به دست آمده در آن اگر به موازات و توجه دیگر بخش‌های حقیقی می‌بودمی‌توانست کمک‌شایانی به رشد وتولید اقتصادی کند اما به دلیل تبدیل شدن به فضایی برای سفته‌بازی بر عکس آن عمل کرد. البته هر چند هرکدام از مشکلات اقتصادی همچون؛ تحریم، کرونا و... در به‌وجود آمدن چنین شرایط تومی تاثیر بسزایی داشته‌اند اما به‌نظر می‌رسد بازار سهام لااقل از دو کانال توانسته بر افزایش قیمت‌ها تائیری بگذارد. اولین سارکوار مربوط به اصلی در علوم مالی است که معتقد است: «در بلندمدت بازده همه بازارهای مالی به یک‌دیگر می‌رسد.» به‌عنوان نمونه فرض کنید چهار دارایی D,C,B,A وجود دارند که یکی از ایسن دارایی‌ها، مثلا دارایی D دارای ارزش ذاتی بسیار کمتری نسبت به سه دارایی دیگر است و یک دولت‌یسا هر نهاد فرضی به روش‌های گوناگون از این دارایی حمایت می‌کند تا بازده آن بالاتر از سه دارایی دیگر شده و نقدینگی به سمت آن هدایت شود. حال فرض کنید بازدهی متوسط هر یک از سه دارایی دیگر، سالانه اندکی بیش از نرخ تورم سالانه است ولی بازدهی دارایی D با دستکاری‌ها وحمايت‌های دولت یا هر نهاد بیرونی خارج از مکانیسم بازار، سه برابر نرخ تورم باشد. سوال این است که ادامه این بازی چه نتایجی خواهد داشت؟ به‌نظر می‌رسد ادامه این بازی در بلندمدت موجب افزایش قیمت و بازدهی سه دارایی دیگر در بلندمدت می‌شود. مثلا دارایی B مسکن باشد و دارایی D مورد حمایت دولت و سهام باشد، در حالت حدی هرچه عوامل اقتصادی بیشتر سهام خریداری کنند، تقاضای سهام افزایش می‌یابد، قیمت سهام بالاتر می‌رود و لذا به‌طور نسبی بازدهی آن کاهش می‌یابد. از طرف دیگر به تدریج سرمایه‌گذاری مسکونی کاهش می‌یابد و به‌تبع آن عرضه مسکن کاهش می‌یابد ولذا در بلندمدت این حمایت‌مصنوعی از بازار سهام منجر به افزایش قیمت مسکن می‌شود؛ البته با توجه به آریترائز بازده دارایی‌ها در بلندمدت و همگرایی بازده دارایی‌ها به یک‌دیگر، احتمالا منجر به افزایش قیمت سایر دارایی‌ها نیز می‌شود. درواقع اگر دولت با حمایت‌های خود، بازده یک دارایی را به‌طور غیربازاری بالا برده و دستکاری کند، در بلندمدت به بازار سایر دارایی‌های قریب سرایت می‌کند و موجب افزایش بازده آنها می‌شود. همین مساله‌واصل آریترائز را به‌صورت دیگر نیز می‌توان توضیح داد؛ اگر قیمت سبد دارایی‌ها بیش از حاصل جمع اجزای سبد رشد کند یا در انتظار رکود یا تورم داشت چراکه زمانی که بورس، خود به‌عنوان سبدی از دارایی‌ها مطرح است و اجزای این سبد در خارج از بورس هم معامله می‌شوند، نمی‌توان شاهد بالا رفتن قیمت آن وثابت ماندن بقیه بود. به‌طور دقیق‌تر آنکه قیمت سهام یک شرکت نشان دهنده بازدهی واقعی، سود و دارایی‌های(سوله، تجهیزات، ساختمان، زمین‌وحتی کالا) آن شرکت است، پس زمانی که قیمت سهام برشده بیش از اندازه‌ای را تجربه می‌کند به‌صورتی که بازدهی شرکت‌توجه‌کننده آن نیست، متوجه می‌شویم که معامله‌گران به‌نیت‌های انتظاری و پشتوانه دارایی‌های شرکت اقدام به خرید سهام آن می‌کنند. پس از آنجایی که معادل دارایی‌ها ذکر شده در خارج از بازار سهام نیز وجود دارد و معامله می‌شود نمی‌توان انتظار داشت که قیمت در آنها نیز بالاتر نرود چرا که طبق اصل آریترائز یک چیز نمی‌تواند دو قیمت داشته باشد.

دومین کانال تاثیر گذاری بازار سهام بر دیگر بازارها قدرت



مرتضی عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

در آخرین روز کاری بازار سهام، شاخص کل این بازار هرچند با اندکی افت اما به‌رحال بالای رقم یک‌میلیون وهشتصد وچهل هزاری قرار گرفت و ارزش معاملاتی در حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان را به ثبت رساند. از سوی دیگر در آخرین عرضه اولیه انجام‌شده در بازار نیز حدود ۴/۵ میلیون نفر شرکت داشته‌اند که رقمی تاریخی محسوب می‌شود. علاوه‌بر اینها بررسی‌ها نشان می‌دهد ۳۰ درصد از حجم پول (جزء اول نقدینگی که شامل اسکنداس و مسکوک و سپرده‌های کوتاه‌مدت بانکی می‌شود) موجود در اقتصاد در حساب کارگزاری‌ها دست به دست می‌شود که نشان از حجم بالای درگیر شدن اقتصاد و عاملان آن به بازار سهام است. با توجه به موارد گفته شده می‌توان از نقش راهبردی بازار سرمایه برای دیگر بازارها و تاثیر گذاری آن بر قیمت کالاها و خدمات موجود در آنها صحبت به میان آورد اما شناسایی کانال‌های تاثیرگذاری وتبیین آنها از یکدیگر کار دشواری است. در این گزارش سعی شده است بی‌دقتی‌ها وسوءبرداشت‌هایی که از نقش بازار سهام در اقتصاد به وجود آمده است، توضیح داده شود وپاسخی به این سوال داده‌شود که چگونه ممکن است بازار سهام با وضعیت موجود درست همانند چند ماهه گذشته که عملی برای گرانی در دیگر بازارها بوده است، همچنان بازارها را به دنبال خود بکشد. البته این ادعا در گزارش‌های قبلی «فرهختگان» به‌طور مختصر عنوان شده بود اما در گزارش پیش‌رو به تفصیل به این موضوع پرداخته‌ایم. میثم رادپور کارشناس بازارهای مالی نیز در تبیین این ابهامات از تاثیر تومی بازار سهام بر دیگر بازارهای مالی وحقیقی گفته است و عنوان کرده که هرچند تشخیص اندازه این تاثیر کار دشواری است اما نمی‌توان آن را در نظر نگرفت. در ادامه گفته شده اقبال عمومی به بورس می‌تواند یک فرصت تاریخی باشد که در صورت هدر دادن آن، می‌تواند به یک تهدید تمام‌عیار برای کشور تبدیل شود.

چرا بازار سهام ضربه‌گیر تورم نیست؟

در چند روز اخیر مباحثی از سوی برخی فعالان به نام بازار سهام منتشر شده است که در آنها به نقش ضربه‌گیری بازار بورس برای دیگر بازارها مثل ارز اشاره و تأکید شده است که اگر بورس نبود قیمت‌ها در دیگر بازارها بالاترین سطوح خود را لمس کرده بودند. به‌عنوان نمونه در یکی از کانال‌های پرمخاطب بورسی، یکی از اساتید بازار این‌گونه نوشته بود که: «حجم نقدینگی به بورس از زهر افزایش نرخ ارز می‌کاهد لذا هجوم نقدینگی به بورس، مانع افزایش بیشتر نرخ ارز است. اگر بورس نبود دلار افزایش بیشتری داشت. «وی از عبارات «بازاندن نقدینگی» برای جلوگیری از ایجاد فشار دو دلار صحبت وعنوان کرد که: «بهبترین مکان برای سوزاندن نقدینگی مزاد، بورس است.» این نظرات هرچند مخاطبان بسیار زیادی از احاد جامعه را که روزبه‌روز علاقه‌مندتر به بازار سرمایه می‌شوند را فرامی‌گیرد اما به نظر می‌رسد از دقت لازم برخوردار نباشند. در این بخش به همیغ‌وجه قصد ورود به مسائلی چون؛ عدم ارتباط بخش حقیقی ومولد با بازار سهام وتبعات اقتصادی این نقطه ضعف با مسائل بنیادین از این دست وسوالاتی وحواصلا فقط اشاره می‌شود که دیدگاه‌های فریب‌عنوان شده، ارائه خواهد شد. به‌عنوان مثال در وهله اول «الف» رادپور بگیریبد که به دلیل داشتن مزاد نقدینگی لازم برای گذران ضروریات زندگی خود، آن را وارد بازار سهام کرده و قصد خرید سهام شرکتی را می‌کند. این فرد قطع به‌یقین از سودهای بانکی پایین‌تر نسبت به تورم‌راضی نبوده و برای جلوگیری از کم‌ارزش شدن پس‌انداز پولی خود اقدام به خرید دارایی به شکل سهام کرده است. این فرد در هر حالتی که خریدار سهام شرکتی باشد(چه سهام تازه عرضه شده و چه سهام با مالکیت او (فرد) که در نظر گرفته شود) درآمد و سود «الف» منتقل می‌شود. در ادامه وجه معامله که همان «نقدینگی» است از حساب بانکی فرد «الف» به حساب بانکی فرد ب، با واسطه‌گری کارگزاری‌ها منتقل می‌شود، حال فرد ب، چندین انتخاب پیش روی خود دارد؛ اول آنکه می‌تواند نقدینگی حاصل‌شده از فروش سهام خود را از بازار سهام خارج کند و به تقاضا در دیگر بازارهای مالی (طلا، مسکه، ارز، مسکن و...) تبدیل کرده و به‌عنوان نمونه مقدار طلا بخرد. در گزینه دوم؛ می‌تواند به‌صورت نقدی کالا و خدمات مصرفی چون گوشت،برنج یادراختیار گرفتن معلم خصوصی بپردازد و در نهایت در گزینه سوم؛ نیز سرمایه‌گذاری مجدد در بازار سهام را پیش روی خود دارد. حالت اول؛ می‌تواند باعث افزایش قیمت دارایی‌های دیگری مثل طلا، ارز، مسکن و... شود چراکه در مدت کوتاه‌نه مسکنی ساخته شده، نه ارزی وارد شده و نه معدن طلایی پیدا شده است. بنابراین عرضه پول در این بازارها از عرضه کالا پیشی می‌گیرد و تورم اتفاق می‌افتد. در حالت دوم؛ این اقدام مشخصا باعث افزایش قیمت کالا و خدمات مصرفی می‌شود چراکه در این بازارها نیز در مدتی کوتاه عرضه‌ای بیشتر کالا و خدمات صورت نگرفته است. در نهایت در حالت سوم؛ هم فرد ب، اقدام به خرید سهام می‌کند و درواقع نقش فرد «الف» را به خود می‌گیرد، پس می‌توان همان داستان را مجدد به‌صورت چرخه‌ای ادامه داد. بنابراین مشخص است تا مادامی که بخش حقیقی ومولد در حال کوچک‌تر شدن و کمتر شدن کالاها و خدمات تولیدی باشد(رشد اقتصادی منفی) و اتصال عمیقی با بازار سهام نداشته باشد نمی‌توان از ضربه‌گیری بورس صحبتی کرد. در داستان مطرح شده دیدیم که خرید سهام باعث نمی‌شود که قیمت گوشت، کفش، ارز، طلا، مسکن و... پایین بماند، زیرا نقدینگی در بازار سهام آن قدر دست‌به‌دست می‌شود تا به دست کسی برسد که متقاضی بازارهای دیگر باشد. بنابراین